

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (آل عمران : ١١٠)  
(معروف را حکم می کنید و منکر را منع می کنید)

# خوب و ناخوب

مؤلف

پروفسر دکتور محمد مسعود احمد

ایم-ائے، پی-اتچ-ڈی

ترجمہ

ابوزہرہ محمد ذاکر اللہ نقشبندی مجددی افغانی

ادارہ مسعودیہ، ۲/۲، ۵-۵ ای، ناظم آباد، کراچی، سندھ

اسلامی جمیوریہ پاکستان

نومبر ۲۰۲۰ء / ۱۴۴۲ھ

Marfat.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (آل عمران: ١١٠)  
(معروف را حکم می کنید و منکر را منع می کنید)

# خوب و ناخوب

مؤلف

پروفیسر دکتور محمد مسعود احمد

ایم۔اے، پی۔ائچ۔ڈی

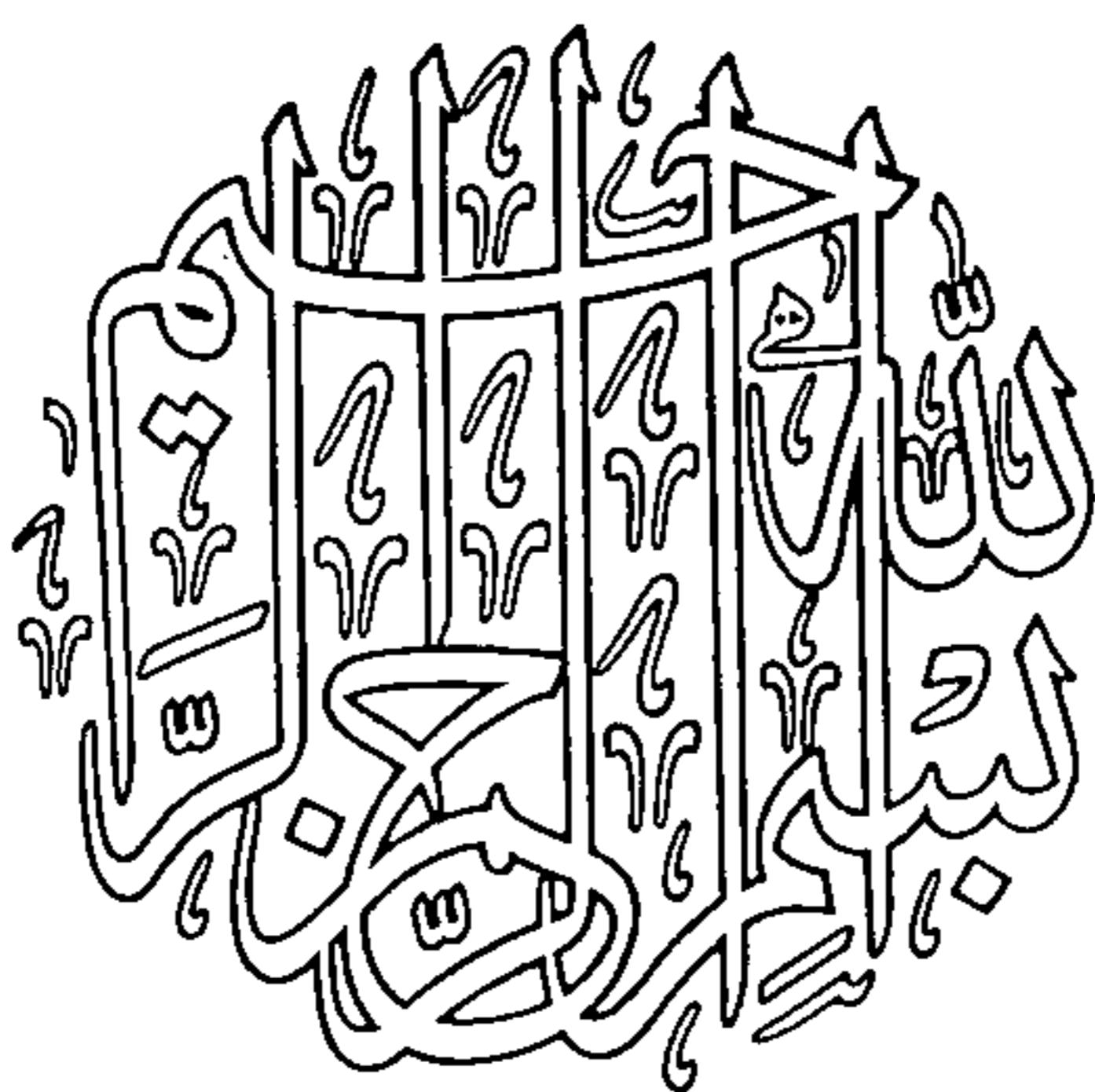
ترجمہ

ابوزہرہ محمد ذاکر اللہ نقشبندی مجددی افغانی

ادارہ مسعودیہ، ۲/۲، ۵-ای، ناظم آباد، کراچی، سندھ

اسلامی جمیوریہ پاکستان

ستمبر ۲۰۱۴ء



Marfat.com

## تأثیرات علماء سرحد و افغانستان

ضیاء المشائخ حضرت محمد امیر ابیم فاروقی مجددی مدظلہ العالی  
امن نور المشائخ حضرت فضل عمر رحمۃ اللہ علیہ، شور بازار، کابل، افغانستان  
تاریخ ۷ صفر المظفر ۱۴۲۱ھ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فضیلت پناہ اخوی محمد عارف رضوی حفظ اللہ بسجاعت، عن موجبات التکفیف والتساف نامہ شمار سید  
سبب سرتی خاطر مان گردید۔

یاد ما کردی حضور حق فراموشت مباد

شما اشارہ نموده اید که تاریخ ۲۱ صفر المظفر ۱۴۲۱ھ جری نسبت یاد یود فاضل  
دانشمند حقائق دستگاه شیخ طریقت مولانا مفتی شاہ محمد احمد رضا خاں قادری  
قدس سرہ محفل منعقدی گردد، بلی مفتی احمد رضا قادری رحمۃ اللہ علیہ عالم کامل  
و عارف اسرار طریقت یودند، ملکه عالیشان در تبیان علوم اسلامی و معارف  
شان در توضیح حقائق باطنی موجب تائش همگان است، تحقیقات قلمیری شان در  
اساس اہل سنت والجماعت یادگار نیک است و برای مخطوطان حوار علوم دینی  
سرچشمہ فیض و ہدایت اگر نامیدہ شود مبالغہ نیست، ارشاد شان در سلسلہ طریقه  
عالیہ قادریہ موجب توجہ یک گردہ بزرگ مسلمین و مسلمات حقائق حسنہ  
تصوف گردیدہ داز تہذیب اخلاق کے سبب حصول معرفت الہی جل شانہ، می  
باشد، ببرہ حاصل نمودند، مولانا احمد رضا قادری در محبت حضرت خاتم النبیین و  
سید المرسلین علیہ افضل الصلوٰۃ التسلیم عشق خاص و محبت سرشار و سوزنا پیدا،

در کنار داشتند، چنانچه آثار منظمه شان و نشیده‌های نعمتیه شان مؤید این معنی بوده و قلوب مسلمین و مسلمات را ز نورِ مقدس عشقِ محمدی صلی اللہ علیہ وسلم منور گردانیده جزاہ اللہ خیرالجزاء--- آثار منظمه معارف آگاه مولانا رضای بریلوی رحمۃ اللہ علیہ از چیز فصاحت و بلا غلط و انسجام و تشبیهات لایقہ واستعارات لطیفہ برتری هائی ادیلی را داراست۔

ز هر یک نقطه آن چون نافه تر  
شیم وصل جانان می زند سر

خیلی مسرورم که امروز آرزوی قلبی خود را به یاد بود حضرت مولانا محمد احمد رضا بریلوی رحمۃ اللہ علیہ از قریحه به قلم و از قلم به قرطاس می پارم و به یاد آن عالم و فاضل و عارف و اصل مشغول می باشم۔

بلی افراد مرگزیده و صاحبِ ذوق و فکر سلیم اسلامی که برائے ارتقاء جامعه بشری خدمت می نمایند، لائق احترام اند و تذکار آن ہا سبب ہدایت مردم بوده باعثِ مبارکات است ثبوت این کیفیت را ایماناً و وجداً نمادر ک می کنیم۔

نازش هر قوم به مردان اوست

بسته به افکار بزرگان اوست

خالق دارین به حرمت سید الکونین علیہ الصلوٰۃ والسلام مولانا می بزرگوار را جنات النعیم عطا نموده و پیر وان شان را اتباع طریقِ حسنہ اسلامی عطا فرماید۔

**وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ مَنْ لَدَنِكُمْ**

فقیر محمد احمد الجدی این عمر عفی اللہ عنہ

پیغامات یوم رضا (مرتبہ محمد مقبول احمد قادری)

لا ہجر ۱۴۱۹ھ - ۱۲-۷

## پروفیسر عبدالشکور "شاد" پوهنون کامل، افغانستان

قوم پشتون بالعلوم و باشندگان اشرف البلاد قدرهار بالخصوص باین نهایت خوش مستعد  
که علامه ضیاء الدین عبداللطفلی احمد رضا خان مریضی (۱۳۲۰-۱۲۷۲ق)  
واری هستی از حیثیت تاریخی به خانواده و قومیت شان رابطه دارو.

کاوش‌های تحقیقی خاندان مریضی و خصوصاً علامه موصوف لائق این است که در  
تاریخ ثقافت اسلامی هندوستان و پاکستان متصلی ثبت شود و بتاریخ علم و فرهنگ  
اقاعده و دائرۃ المعارف شان لازم است که علامه موصوف و سائر مؤلفاتش را  
در اوراق شان ثبت کنند، مابه موقع سالگرد وفات علامه مرایشان طلب  
مغفرت می‌کنیم و آن حضرات را قابل ستائش می‌نخیم که در ترتیب و تنظیم این  
یادآوری مصال، جسم، قلم و مشورت اعانت نمودند.

عبدالشکور شاد

استاد فاکولتاد ادبیات و علوم انسانی پوهنون کامل

۱۰ / صفر المظفر

(پیغامات یوم رضا، مرتبہ محمد مقبول احمد قادری، لاہور ۱۹۷۳ص ۳۳)

## مولانا عبدالحق غور غشتوی

ایں عاجز را زیارت حضرت امام اہل سنت والجماعۃ مولانا احمد رضا خان بریلوی رحمۃ اللہ علیہ نصیب نہ شد لا کن از تصنیفاتش معلوم می شود کہ ایشان عالم تبحر، محقق و مدقق، قفع سنت سینیتہ و تابع ملت حنفیہ بودند۔ قصائدش کے در نعت حضور نبی کریم صلی اللہ علیہ وسلم مرقوم کر دلالت می کنند کہ ایشان عاشق رسول مقبول بودند۔ چون در دیار ہند فتنہ نجدیت سر بر آورده۔ اللہ عز و جل این مرد مجاہد را مر ایے ابطال باطل و احقاق حق پیدا نمودہ تا ایشان بلا خوف لومہ لائیم ظلمانی مبليغات را ازالہ کنند۔ الخصر ایشان بر آلیة کریمہ یا یہا النبی جاہدو الکفار والمنافقین واغلظ علیہم الآیتہ۔ ہتمام و کمال عمل پیر اشدند۔

ایں عاجز بر عجز خود معرفت ست کہ بر آن ھستی چہ نویسید کہ عظاماء علماء تبحیرن از بیان فضائل و فواضل ایشان خود را عاجز یا بند بربان بے زبانی می گویند۔

لایدرک الواصف المطری خصائصہ

وان یک سابقان فی کل ما وصفا

خادم العلماء

عبدالحق غور غشتوی

(پیغامات یوم رضا) (مرتبہ ۱۷۹ء محمد مقبول قادری، لاہور، ص ۳۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ابتداء سیه

دنیا از چیزیمای خوب و ناخوب پر است، زندگی خیلی مختصر است، انتظار نمی کند، در آن واحد خوبی و ناخوبی چیزها معلوم کردن در وسع عقل نیست، او از پینائی محروم و محتاج تجربه است.

الله جل جلاله به بندگان مجبور خود کرم فرمود، انبیاء علیهم السلام را فرستاد، در آخر حضور انور صلی اللہ علیہ وسلم را مبعوث فرمود، و وحی این مشکل را برای همیشہ آسان کرد و همیشہ آسان می تواند کرد، باز رسانندگان پیغام قرآن و سنت پیغام شان را رسانند و سخنهاي خوب و ناخوب را واضح می ساختند و راهنمایی بندگان خدامی کردند. درین راهنمایان شخصیت مولانا احمد رضا خان محدث افغانی ثم بدیلوی ممتاز است (م- ۱۹۲۰ء / ۱۳۴۰هـ) ایشان محدث و فقیه و مصلح و مفکر جلیل القدر اسلام بوده. مدته گذشت که کسی ایشان نشناخته و درباره شان گوونگون سخنهاي می سرد پاشرت یافتد و شکوک و شباهت پیدا شدند، شخصیت شان مجرور و سیرت شان داغدار کرده شد لیکن از ربع صدی تحقیق مسلسل بد سطح عالمی در پوهنتونی نمای مختلف و اداره های تحقیقی حقائق را روشن ساخته از ال غلط فتحی ها کرد. خیلی سخنهاي می بینیاد راجح په بدعوت درباره محدث بدیلوی عام کرده شده است و این کار اهل علم انجام داده که نهایت افسوسات است. شاید سبب ایں باشد که عمل بعض معتقدین محدث بدیلوی سراسر خلاف موقف شان است.

حقیقت این است که محدث مریمی توسط رساله، فتاوی و تقریرات خویش خاطر احیاء اسلام و تردید بد عات جدو وجود نموده غالباً بین بعض علماء حرمین شریفین آنمارا مجدد قرن قرارداده بودند چنانچه شیخ اسماعیل خلیل کی حافظ کتب حرم تحریر دارد!

بل اقول لوقیل فی حقہ انه مجدد هذَا القرن لکان حقاً و صدقَا  
لیس علی اللہ بمستنکر ۰ ان یجمع العالم فی واحد  
ترجمه: بلکہ من میگویم اگر در حق شان گفتہ شود که مجدد این قرن است پس  
یعنیک صحیح درست خواهد بود۔

در حق جل مجدہ دشوار نیست که در بعدہ جهان را جمع نماید  
درین مقالۂ مختصری موقوف محدث مریمی در بعض امور راجع به دعوت بیان می کنیم  
تا اصل حقائق روید شود و به اہل علم کدام شک و شبہ باقی نماند۔

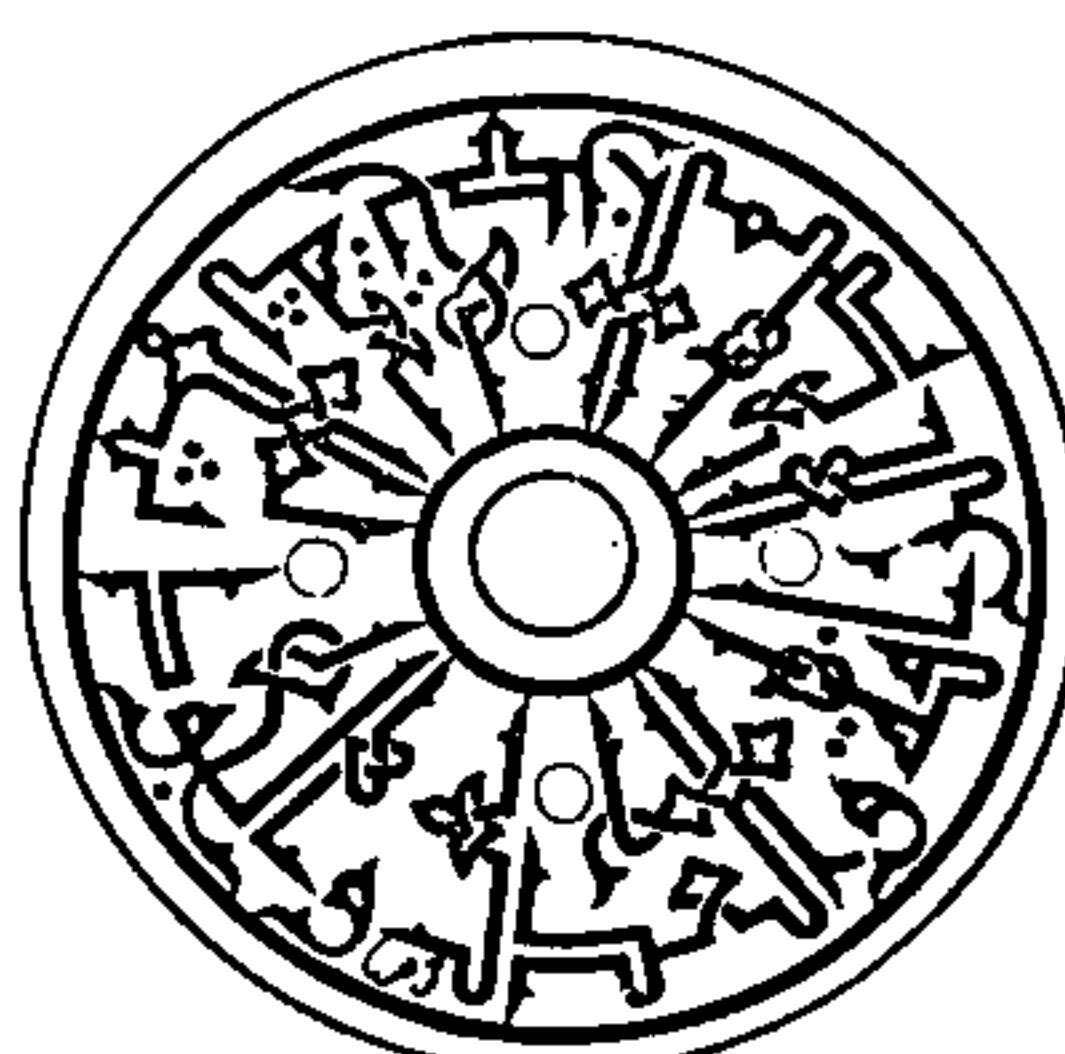
احقر محمد مسعود احمد عفی عنہ

رجب المرجب ۱۴۲۵ھ

۱۷-سی، پی-ای-سی-۱۷ سوسائٹی

اکتوبر ۱۹۹۹ء

کراچی (سنده - پاکستان)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
نَحْمَدُهُ وَنُصَلِّي عَلَى رَسُولِهِ الْكَرِيمِ

اسلام :-

مفهوم اسلام پر نزد محدث بدیلوی خیلی ساده است لیکن او تعاقب شخصی می نماید که در دین  
سمان نور ایجاد می کند و تنقید بآنان می کند که در وحدت ملی فتنه اند اخلاق و حسن وحدت را پاره پاره می  
کند و ترک سوادا عظم کرده راه نور ایشاند.

از محدث بدیلوی سوال شد آن غیر مسلم که بالانگلیسی می فهمد از خواندن کلمہ مسلمان می گردد  
یا نه ؟ --- پس پاسخ دادند که :

یعنیک مسلمان قرارداده شود اگرچه ترجمه رانه می فهمد --- بلکه اگر کلمہ طیبه  
رانیز نخواهد و فقط بجاید که : "من مذهب خود ترک کرده دین محمدی را قبول  
کردم" نه ای اسلامش کافی خواهد بود (۲)

بد عتی :-

لیکن بعد از قبول اسلام اگر کسی از راہنمائی حضور اکرم صلی اللہ علیہ وسلم انحرافی ورزد و از  
بعض انکار کند در مورد شیوه محدث بدیلوی موقف شان چنین تحریر می فرماید :-

فی الواقع بد عتیکه از کدام چیزی از ضروریات انکار کند با جماعت مسلمین قطعاً و یقیناً  
کافر است اگرچه کرده حابار کلمہ خواند، پیشانیش از دست سجدہ یک ورق  
گرد، تتش از روزه ها یک خاکه میاند، در زندگی خود ہزار هاجح کند، یک کوه  
طلائی در راه خدا جل جلاله خرچ کند --- لا والله قبول نمی شود ہرگز تاگاهی که  
تصدیق محمد بہمان ساختایم حضور پر نور صلی اللہ علیہ وسلم از نزد رب شان  
آورده است (۳)

نوافل :-

در معاشرہ مخالفین اترک فراتض و واجبات کرده محببات و مباحثات را جامی آورند،  
محدث بدیلوی بدین می اعتدالی در عمل گرفت سخت نموده می فرماید.

”ابو محمد عبد القادر جیلانی رضی اللہ عنہ در کتاب مستطاب خود ”فتح الغیب“ برائی شخصیه فرض را ترک میکند و نوافل را جایی آورده مثالهای جگر شگاف ارشاد فرموده است درین کتاب مبارک فرموده :-

فان اشتغل بالنوافل قبل الفرائض لم يقبل منه واهين (۴)  
اگر شخصی، لمسن و نوافل پیش از جا آوردن فرض مشغول گرد و قبول نه خواهد گرد و از و داها نش خواهد کرده شود.

### شریعت و طریقت :-

سلک محدث مریمی در مورد شریعت و طریقت و بیعت خیل واضح و معقول است، درباره این قول عمر وکه :-

”طریقت نام وصول الی اللہ است، و شریعت نام است اوامر و نواعی چندی را“  
گاییکه از مولا نام مریمی استفسار شد پس جواب دادند :-

”قول عمر وکه طریقت نام وصول الی اللہ است مغض جنون و جمال است کسی که دو حرف را خوانده باشد می فهمد که ”طریق، طریقه، طریقت“ راه را گویند نه رسیدن را پس طریقت نیز نام راه است. پس اگر از شریعت جدا باشد مرد و قرآن کریم است که تا خدا نتواند رساند و تا شیطان خواهد رساند، بجهت نخواهد بدد جهنم خواهد بدد، چرا که سوای شریعت تمام را همارا قرآن عظیم باطل و مردود گفته است۔ (۵)

### ضرورت مرشد :-

درباره ضرورت مرشد در پاسخ سوالی میگویند :-

انجام کار رستگاری ---- (اگرچه بعد سبقت عذاب می باشد، معاذ اللہ!) --- این عقیده در اهل سنت بر هر مسلمان لازم و بکدام بیعت و مریدی موقوف نیست، پس بر ای ازین نبی را فقط مرشد گرفتن کافی است (۶) لیکن هر ایش این را حم خیر دارد! فلاح احسان را ضرورت مرشد خاص است و او نیز شیخ ایصال که شیخ اتصال کافی نمی شود۔ (۷)

## استغاثه و استعانت :-

موقف محدث بدیلوی در مورد استغاثه و استعانت از نبی صلی اللہ علیہ وسلم و اولیاء کرام اینست که بطور مشروط جائز است.

در جواب یک استفتاء تحریر دارند :-

”جائز است که آنمارا بهده خدا و سیله دربارگاه خدا گفته شود، و آنمارا باذن خداوند والمردات امر ۱۰۰ گفته شود، و باید اعتقاد کرده شود که پیچ کدام ذره بدون حکم خداوند شور خورد نمی تواند، و بدون داداللّٰهی پیچ کدام حی برآداده نمی تواند، یک حرف شنیده نمی تواند، چشم را حرکت داده نمی تواند، و پیشک این عقیده تمام مسلمان است۔ (۸)

## سجدہ تعظیمی :-

تعدادی از مسلمانها از حدود شرعیه تجاوز کرده نزد مزارات سجدہ وغیره می کنند - مولانا بدیلوی غیر اللہ را سجدہ عبادت کفر و شرک و سجدہ تعظیم را حرام اقرار داده است و درین رساله فاضلانه و محققانه را نوشتہ که عنوانش :

الزبدۃ الزکیۃ لتحریم سجود التحیۃ

(۷۱۳۳ هـ / ۱۹۱۸ء)

است درین رساله تحریر دارند!

مسلمان، ای مسلمان! --- ای تابع فرمان شریعت مصطفوی! بدان و بقین بدان که سجدہ بجز حضرت عز جلاله کسی را جائز نمیست، سجدہ عبادت بغیر ش کردن بقین او اجماعاً شرک میین، و کفر میین و سجدہ تحیت حرام و گناه کبیره با بقین است۔ (۹)

محدث بدیلوی خاطرا ثابت و عواتش حرمت سجدہ تحیه را از آیات قرآنی ثابت کرده (۱) --- بعد از چهل احادیث حتم ثابت کرده (۱۱) --- بعد از یک و نیم صد نصوص فقهیه دلائل حرمت سجدہ تحیه را پیش کرده است (۱۲)

## تصاویر :-

بعض مسلمانان می علم عکس‌های برآق را در خانه‌ای خود آویزان می‌کنند. این رسم قبل از اسلام نیز موجود بود، محدث بدیلوی آویزان کردن عکس‌های برآق را بسختی ممانعت کرده است و عکس قبر شریف و نعلین را جائز و مستحسن نبینه کرده است. (۱۳)

## فاتحه :-

در مسلمان‌ها رسم فاتحه، سوم، چلم، بدی، عرس وغیره موجود است، محدث بدیلوی روشن را جائز قرار داده است و لوازم‌های غیر ضروری را بے اصل گردانیده، همیش طور راه میانه روی را اختیار نموده در حالیکه فاتحه وغیره را جائز قرار داده در آخری نویسد :-

”باقي سخنهای لی ہوده را که مردم ایجاد کردند مثل عروسی تلف کردن، فرش کردن فرشای عده، این سخنهای بے جا نمی‌باشد و اگر می‌گویند که ثواب روز سوم فقط می‌رسد یاد رین روز اضافه می‌رسد و دیگر روز کم، پس این عقیده نش نیز غلط است، یعنی طور نخود را کدام ضروری نیست نه از تقسیم کردن نخود کدام بدی پیدامی شود (۱۴)

## ایصال ثواب :-

درباره طعامیکه روید نماده شود تا عمل ایصال ثواب انجام داده شود، موقف خود اظهار نموده تحریر دارد :

”سخن این است که فاتحه نام ایصال ثواب است“ (۱۵)

---- ماند ثواب طعام دادن، او اگرچه موجود نیست، شاید خیال ارسال توسط نمایه رسانی خواهد کرد و باشد تا که چیزی خودش موجود نباشد چه را رسال خواهد کرد حالانکه طریقه نش، دعاء خواستن در جناب باری تعالی است که او ثواب را نمی‌رساند، اگر کسی این گمان ورزد که تا گاهیکه طعام روید و نباشد ثواب نمی‌رسد پس این گمان محض غلط است. (۱۶)

در پاسخ سوالیکه آیاز یید در زندگی خویش برای خود ایصال ثواب کرده می‌تواند یانه؟ می‌نویسد. ”ملی می‌تواند کرد. بطور خفیه به محتاجان دهد---- رواجی که عام شده که طعام پخته می‌شود و تمام اغذیاء و قومیان خویش را عوت داده می‌شود، این چنین باید کرده شود (۱۷)

## لی پر دگی :-

از بد عات دور جدید <sup>عشق</sup> زهان لی پر ده و آمدن شان پیش نا محمان، جمع شدن شان در خانه میت خاطر طعام خوردن، بود و باش شان بهراه مردان غیر محرم، رفتن شان بهترستان نهاده از طرزیارت قبور و آمدن پیران نا محرم خیلی عام است۔

محمدث بریوی مخالفت این تمام بد عات نموده در جواب یک سوال که زن پیش محارم و غیر محارم خود رفت می تواند یانه؟ محمدث بریوی یک رساله نوشته کرد که عنوانش است۔

### مروج النجاح لخروع النساء

(۱۸۹۸ / ۱۳۱۴ء)

محمدث بریوی ز نهاد رین رساله با قسم ذیل تقسیم کرده، باز مردانے هر یک حکم علی حده صادر کرده:

قابلہ، غاسله، نازلہ، مریضہ، مضری، حاجہ، مجاهدہ، مسافرہ، کاسہ، شاہدہ، طالبہ، مظلوپہ۔ (۱۸)

### مهمان شدن در خانه میت

بعوان مندرج ذیل یک رساله نبویه که در ان بر ابطه اجتماع مردو زن خانه میت برداز وفات و یا بعد خاطر طعام خوردن و از بار آوردن بر خانه میت به سختی ممانعت کرده شده۔

### جلیل الصوت لنھی الدعوة امام الموت

(۱۸۹۲ / ۱۳۱۰ء)

### زیارت قبور:-

در جواب یک سوال که ایا "ز نهاد رفت قبرستان خاطر زیارت جواز است یانه؟ تحریر فرمود: رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ماید:-

## لعن الله زوارات القبور

(لعت خداوند بر سر آن زنها باشد که بگزیرت زیارت قبور می‌کنند)

رواه احمد و ابن ماجه والحاکم عن حسان بن ثابت والاولان والترمذی عن ابی هریرة رضی اللہ عنہما (۲۰)

بین موضوع محدث بریلوی یک رساله راینیز تصنیف فرموده که بعوان :

## جمل النور فی نهی النساء عن زیارة القبور

(۱۹۲۰ / ۱۳۳۹)

در سلسله زیارت القبور حاضری روضه شریفه حضور اکرم صلی اللہ علیہ وسلم را مستثنی قرار داده چرا که حاضری مردان و زنان درین دربار از احادیث ثابت است، چنانچه هرگاه در مورد حاضری زنان مزار مبارک حضرت خواجہ معین الدین چشتی رحمۃ اللہ علیہ سوال کرد و شد پس فرمودند :

” در غنیمه آورده که این پرس که رفتن زنها مزارات جائز است یا نه؟ ”

دریافت کن که بدین زن چه قدر لعت از جانب خداوندی می‌شود و از جانب صاحب قبر---- کدام وقت که از خانه خود اراده می‌کند لעת شروع می‌شود، بدون روضه انور به یقین مزار رفت مجاز نیست و آن جا حاضری البتة سنت جلیله عظیمه قریب بو اجرات است---- در عین حدیث ارشاد شده :

من زار قبری وجبت له شفاعتی

(میکه بزیارت کردن مزار من حاضر شد شفاعتم برائیش واجب شد.)

در دیگر حدیث است :

من حج و لم یزرنی فقد جفانی

(هر کس که حج اداء کند و بزیارت من نه آید من جفا کرد.) (۲۲)

پیر و مرشد :-

فی زمانا (در زمانه ما) زنها پیش پیران شان لی در لغی می آمدند، نه کدام پرده می‌کنند و نه پیران ممانعت می‌کنند، درین مورد از محدث بریلوی استفتاء شد پس جواب دادند.

پیشک پرده از غیر محروم فرض است از کیکه اللہ و رسول حکم داده جل جلاله و صلی اللہ علیہ وسلم، پیشک پیر محروم مریده نبی شود، کلان پیر از نبی کریم صلی اللہ علیہ وسلم برای امت کی باشد؟--- یقیناً او ابوالروح باشد--- اگر از دست پیردادن کسی محروم می‌گشت مناسبت می‌بود که نکاح نبی همراه یچ زن از امت (صحیح) نه شود۔ (۲۳)

در دادن چرا غهما (بر مزارات اولیاء کرام) :-

رواج چراغ و روشنی کردن ولوبان و دود غبر و غلافه نیز عام است محدث بدیلوی در این تمام رواج در سوم میانه روی اختیار کرده و فیصله‌های معقول فرموده!

در مورد در دادن چرا غها بر مزارات سوال شد پس به حواله حدیقه ندیه تصنیف شیخ عبدالغنی نابلسی جواب تحریر فرمود :-

○ جانب قبرها شمع بردن بدعت و اضاعة مال است۔ (۲۴)

بعد ازین محدث بدیلوی تحریر دارد :-

○ این تمام در صور حیجه بالکل خالی از فائدہ می باشد و اگر در دادن شمع کدام فائدہ باشد که در گرد قبر کدام مسجد باشد یا قبر بر سر راه باشد یا کدام شخص نشسته---- پس این امر جائز است۔ (۲۵)

در یک جای دیگر در جواب همن قسم سوال نوشته کرده :

○ اصل ائمّت که مداراً عمال بر نیت است رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم می فرماید :

انما الاعمال بالنيات

و کدام فعلی که خالی از نفع دنیا و آخرت باشد عبیث است و عبیث خودش مکروه است و درین مورد صرف مال اسراف است و اسراف حرام است.

قال اللہ تعالیٰ : ولا تصرفوا ان اللہ لا يحب المسرفين  
ونفع رساندن مسلمانها محبوب شارع است.

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم می فرمایہ :

من استطاع منکم ان ینفع اخاہ فلینفعه

کیجئے می تواند کہ مسلمان نفع بر ساند پس برو ضروری است کہ نفع رساند۔ (۲۶)

**دود کردن لوبان و دود عنبر :-**

در مورد دود کردن لوبان (نام یک سنگ خوشبوی است - مترجم) کو غیرہ دریافت شد پس پاسخ داده شد :-  
از دود، دود عنبر و غیرہ مر نفس قبر باید احتراز شود اگرچہ در کدام ظرف باشد۔

لَا فِيهِ التَّفَالُ الْقَبِيْحِ بِطْلُوعِ الدَّخَانِ مِنْ عَلَى الْقَبْرِ وَالْعِيَادَةِ بِاللَّهِ  
اما روشن کردن این چیزها نزد قبر (اگر خاطر علاوت کند گان یا زاکران یا زائران حاضر یا  
گزر کند گان نباشد) بلکہ فقط خاطر قبر روشن می شود پس ظاہر است که ممنوع، اسراف  
و اضاعت مال است، میت نیک بسبب در چه در قبرش از جنت باز میشود و نسخهای  
بیشتری و خوشبوی گلمهای جنتی می آورد، اور از دود عنبر دنیا غنی میسازند۔ (۲۷)

**انداختن چادرها (بر سر قبر)**

در مورد انداختن چادرهای بر سر بد سان شد پس جواب دادند :-

دروقتیکہ چادر موجود باشد و تا ہنوز خراب یا کمہ نباشد تا کہ حاجت تبدیل کردن افتد  
پس انداختن چادر میکار فضول است بلکہ کدام مالیکہ درین مورد صرف میشود باید خاطر  
ایصال ثواب پر روح آن ولی اللہ بخدمت محتاج داده شود (۲۸)

محمدث بیلوی دربارہ رسوم مندرجہ بالا خاطر جلوگری از اسراف و اضاعت مال و کفایت شعاری در  
نظر یہ معاشر اسلامی را پیش نظر خود کرده فیصلہ ہا صادر کرده یعنی اگر در کدام عمل نیک افادیت باشد  
برائے مسلمانان جائز است و اگر اضاعت مال باشد پس حرام است و این اصول فقط بقول خاص نیست  
بلکہ بہ ہر گوشہ زندگی انسانی (علاقہ) دارد۔

## آلات موسيقی :-

آلات موسيقی (مزامیر) در قوای رواج عام معاشره ماست، درگاه‌ها حتی که قریب مسجد نیز هر اه سرود طبله قوالیها می‌شود باز در عرس و غيره اهتمام خاصی باشد، علاوه‌های این در بعض عرسها زنا نیز جمع می‌شوند ولی پرده می‌گشته و دیگر قسم تماشا‌های می‌شوند که شرمناک نیز است و غمناک نیز---- محمدث بریلوی رواج‌هارا که مخالف شریعت است ناجائز قرارداده است---- در مورد آلات موسيقی در جواب یک سوال تحریردارد :-

”مزامیر که فاطراً از نهن مردنیش نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم تشریف آورده کمانی الحدیث مطلقاً حرام است“ (۲۹)

در مورد این چنین قوالی پر سیده شد در کدامیکه اهتمام آلات موسيقی و غيره شده باشد پس جواب دادند :-  
این چنین قوالی حرام است، حاضرین همه گنه گار و گناه این همه بر سر این طور عرس کنندگان و قوالان است و گناه قوالان نیز بر عرس کنندگان است (۳۰)

## اعراس مروجه :-

در مورد اشتراک در اعراس مروجه پر سیده شد به پامندها و شرائط خاص فتوی جواز تحریر فرمودند :-  
عرس مذکور که از هجوم زنان، تماشائے مردمان، آثار شرکیه و ارتکاب معاصی نظاره اجنبیه و لهو لعب و طوائفان (زنان زناکاره) رقصان و آلات مزامیر و غيره خالی باشد بلاشبه جائز و درست است که الامور بمقاصد ها--- و ظاهر است که غرض از انعقاد این مجلس ایصال ثواب، فاتحه و قرآن خوانی می‌باشد۔ (۳۱)

امروز در اعراس ارتکاب این امور بجزت می‌شود کدام را محمدث بریلوی نهی فرموده---  
شرکت در اعراس ایکه ارتکاب این چنین افعال قبیحه در آن می‌شود بجز محمدث بریلوی جائز نیست.

## آتش بازی :-

آتش بازی در موقع خوشی در بعض مسلمانهار رواج دارد و اکثر مسلمانهار شب برآت اهتمام آتش بازی می‌کنند خصوصاً طفلان مشغول این شغف بظری آیند، درین مورد از محمدث بریلوی سوال کرده شود پس جواب دادند :

آتش بازی کدام رقم که در خوش باش بدم را نجات می‌شک حرام و جرم تمام است  
زیرا که درین تضییع مال است، در قرآن این چنین مردم را برادران شیطان فرموده.

الَّهُ تَعَالَى : وَلَا تَبْدِرْ تَبْدِيرًا ۝ ان المبذرين کا نوا

اخوان الشیطین (۳۲)

## خوش و عروسی

در خوییکه سرو و محramات شرعیه ارتکاب میشود از شرکت منع فرموده و این بدایت کرده.

در عروسیکه این حرکت هم باشد بر مسلمانان لازم است که در آن هرگز شرکت نکنند. (۳۳)

اصل سبب ممانعت از اشتراک اینست که در و همت افزائی مرتكب می شود و اواز ارتکاب این گناه هم باز نمی آید--- در معاشره ماقبلی مردم در فضول خرچی مبتلا مبتلا مبتدا بلکه فضول خرچی طبیعت ثانیه مگشته است، یک همت افزائی دیگر را می کند، یک حرص دیگر می کند، و چنین معلوم میشود که تمام ما از پیش ای محروم هستیم--- محدث بدیلوی باین انجاط و پستی ملت را این روشنی می اندازند.

”تا و قتیلکه قلب صاف است بسوی خیر دعوت می کند و معاذ اللہ مسبب کثرت معاصی خصوصاً کثرت بد عات کوری شود، پس در آن قابلیت دیدن حق، فهم حق، غور کردن در حق ندارد مگر حالی استعداد حق شنیدن باقی میباشد. (۳۴)

## بد عات دیگر

بد عاییکه بالا ذکر شده علاوه ازین در معاشره ما این ر قسم بد عات یافته میشوند که در شریعت ممانعت شان آمده. این ر قسم بد عات را محدث بدیلوی در زگار شات خود نشانده، فرموده و خاطر از میان بد لش کوشش تمام نموده این طور بد عات را اشاره ذکر خواهیم کرد----

- ۱- در معاشره مار و اج است که بطلباء عوض قرآن خوانی داده میشود، محدث بدیلوی اجرت گرفتن و دادن بر قرآن خوانی را ناجائز قرار داده است (۳۵)
- ۲- امروز عالم و عالمی عکسها می گیرند. ساختن عکس جاندار و محمد اشکش خاطر اعزاز نزد محدث بدیلوی حرام است----(۳۶)

- ۳- اکثر مردم ریش را می تراشند، یا کم می کنند این چنین شخص بزد محدث بدیلوی  
فاسق معلم است و امام ساختش گناه است (۷۳)
- ۴- در معاشره ماهی عروس از اهال شاه (یعنی کیم عروسی نش باشد) چیزهای مختلف را در  
سلله جیز طلب می کنند! طلب بزد محدث بدیلوی رشوت واضح و حرام است و  
استعمالش نیز حرام است (۳۸)
- ۵- ما به پوشیدن لباسی که مطابق وضع انگلیسی باشد فخر محسوس می کنیم این چنین لباس  
پوشیدن را محدث بدیلوی حرام، سخت حرام، اشد حرام قرار داده است. (۳۹)
- ۶- ایستاده طعام خوردن عام شده است، محدث بدیلوی این چنین مردم را این  
حدیث یاد آورده که در آن نبی کریم صلی اللہ علیہ وسلم حکم طعام خوردن بنشتن  
و کشیدن کفشهای داده (۳۰)---- یعنی طور کسایی که در حالت قیام شاشه می کنند  
این حدیث شریف را یاد آورده که در آن نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم می فرماید ”  
لی ادی ولی تند بھی باشد که کسی - ایستاده شاشه کند بعض مسلمان ها در میله های  
تفریحی و نمایی ہندو ها شرکت میکنند — محدث بدیلوی شرکت در میله های  
تفریحی را ناجائز شرکت در میله های نمایی را حرام قرار داده— (۳۲)
- ۷- اکثر مسلمانها تعزیه داری را خوش دارند و در آن شرکت می کنند این چنین  
مسلمانها را محدث بدیلوی جاہلان و خطاکاران و مجرمان قرار داده (۳۳)
- ۸- عموماً زنها هکار خیلی سخنهاي و جسي می شوند مثل آن در فلان خانه در خت یا زاویه شمید  
آدم میباشد و غيره و غيره این چنین خیالات را محدث بدیلوی می چوده و اهیات  
قرار داده (۳۴)---
- ۹- مسلمانها در وقت حاضری مقبره ها اطرافات خوانی بر سر قبرها می روند، کفشهای پوشیده  
در مقبره رفتن را محدث بدیلوی تو ہن اهل قبور قرار داده (۳۵)---
- ۱۰- در مانگن مار و اج قبرها بلند بلند است - محدث بدیلوی قبری را که بلندیش باندازه  
یک بالشت باشد مطابق سنت واژین اضافه بلند را خلاف سنت قرار داده  
(۳۶)--- و بو سه قبر را نیز خلاف ادب نوشته است (۷۴) -

۱۱- امروز بعض مردم خاطر شرت و نمائش خبرات می کنند این چنین خبرات را  
محمدث بیوی حرام قرارداده (۳۸)----

۱۲- اکثر مردم رو بیانی پشت بد گوئی برادران مسلمانان میکنند و چغل خوری می کنند این  
را محمدث بیوی حرام قرارداده و قائل رالائق تعریف و آن حدیث شریف رایا  
دآورده که در آن نبی کریم صلی اللہ علیہ وسلم تخفیف کننده عالم من رسیده و بادشاہ  
مسلمان عادل رامنافق قرارداده- (۳۹)

الغرض محمدث بیوی رو بسیار بد عتها فرموده است اگر باین موضوع کاری شود کتاب ضخیم تیار  
خواهد شود---- (۵۰) - وادر اک صحیح کارنامه های محمدث بیوی شده میواند ---- اللہ تعالیٰ مارا  
بطریق سلف صالحین روان کند و ذوق و شوق راستکن بیروی سنت حضور انور صلی اللہ علیہ وسلم عطاء  
فرماید در عشق و محبت خاتمه بالخیر م فرماید- آمين

۱۳۲۰ه / ۱۹۹۹ه احرر محمد مسعود احمد عفی عنہ

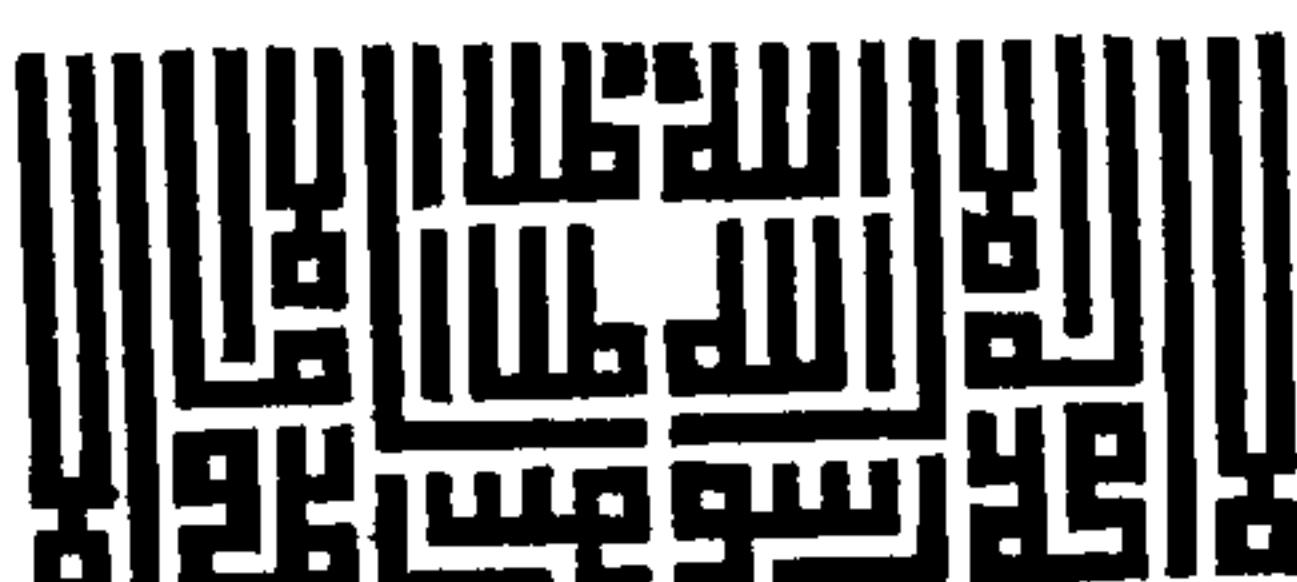
۱/۷-۱/۲

اسلامی جمیوری پاکستان

پ-ای-سی-اچ سوسائٹی

کراچی-۷۵۳۰۰

(سنده-پاکستان)



## تعارف مصنف

- ۱- پروفیسر دکتور محمد مسعود احمد بن مفتی اعظم شاہ محمد مظفر اللہ دہلوی رحمۃ اللہ علیہ خطیب و امام جامع مسجد لٹچ پوری دہلی۔ (۱۹۶۲ء / ۱۳۸۲ء)
- ۲- در سال ۱۹۳۰ء عیسوی مقام وہی تولد یافتہ، پنج سال در مدرسہ عالیہ جامع مسجد لٹچ پوری درس خواندند بازار پوھنون شملہ واقع پنجاب شرقی در سالہ (۱۹۳۸ء) میلادی سنہ فاضل فارسی بدست آوردند، و تعلیم دور ثانویہ ان را اور پوھنون پنجاب واقع لاہور تکمیل رساندند، و تحصیلات عالی و دکتوارا خود را از پوھنون سنده حیدر آباد حاصل کردند و بسبب کامیابیش بدرجہ ممتاز از طرف جامعہ سندرہ ای شان جائزہ نظری تمغہ ہائے و مدال طلائی دادہ شد و حممد دیگر ادارہ ہائے علمیہ و تحقیقیہ تمغاے طلائی دادند۔
- ۳- در سلسلہ مشاغل خویش تاسی سے سالہ ادریکٹریس ہائی پاکستان محیثت پروفیسر و مدد نیز ماندہ اند و متحن اکثر جامعہ ہاماندہ ہستند۔ بالآخر در سن ۱۹۹۲ء میلادی از کار خویش متقاعد گشته کلیستہ مصروف خدمت دین و مسلک شدند۔
- ۴- سلسلہ تحریرات شان از سال ۱۹۵۶ء میلادی جاری شدہ است و در سال ۱۹۶۳ء میلادی سلسلہ تالیف و تصنیف رانیز شروع نمودند۔ تا حال اکثر از صدر سالہ ہاؤ کتاب ہما شائع شدہ است و میش از پنج صد مضمایں و مقالہ جات نہ فر رسیدہ۔
- ۵- تصانیف شان مترجم در زبان ہائے عربی و فارسی و انگلیسی، سندھی، هندی، ہنگلہ، فرانسیسی وغیرہ در جهان ہوش میشود۔ راجع حالات و خدمات علمی ایشان دکتور اعیاز انجمن لطیفی از پوھنون بہار (مظفر پور، بہار، ہند) سنہ دکتورا حاصل کرده است۔ تا اس دم شش کتاب ہائے مر حالات و خدمات ایشان شائع شدہ، فی الحال در شرکر اپنی (سنہ پاکستان) باوجود کارہارے علمی شان سر پرستی اکثر ادارات نیز بدوش دارند، از خداوند عالم دعاء است ہمت شان را عالی و عمر شان در از فرماید آمین جاہ نبیہ الامین۔!

مفتی محمد ذاکر اللہ خان در افی الکوزی  
خطیب جامع مسجد القصی ای-۱۱، اور گنگی ٹاؤن، کراچی

## تعارف مترجم

- مفتی محمد ذاکر اللہ خان در این الکووزائی بن مولانا تاج محمد چشتی۔
- در سنه ۱۹۵۷ میلادی در علاقہ شاھی کوت محمد در خاندان علم و عرفان تولد یافته است۔
- تعلیم اہدائی خود را از محترم قبلہ گاہ صاحب و علماء کلان علامہ خویش تکمیل نموده و خاطر تحصیلات عالی از درسگاه‌های علمی کلان مثل جامعہ غوثیہ معینیہ یکہ توت پشاور نیز استفادہ کرده و راجع بعلم باطنی، احسان و تصوف از قطب دائرہ ولایت شیخ الشائخ حضرت العلامہ مولانا الخواجہ محمد عبدالسلام پیر ساقوی مدفیعہ القوی افتخار بیعت در سلسلہ عالیہ نقشبندیہ حاصل نموده والحمد للہ علی ذلک۔

نقشبندیہ عجب قائلہ سالاراند کہ از راه پہنан می برند جرم قائلہ  
ناقصی گر کند این سلسلہ راطعن قصور حاشا اللہ کہ مرزبان بیارم این گلہ را  
ہمه شیران جہان بستہ این سلسلہ اند رو بہ از حیلہ چھاں بگلدائیں سلسلہ را  
۳- در مختلف مدارس اسلامیہ و مراکز علمی حیثیت مدرس، مفتی، صدر مدرس ماندہ فی الحال در شر  
کراچی در جامعہ غوثیہ علویہ، سلطان آباد مصر و فیت مدرسی و افتاء بد و ش دارد و در جامع مسجد اقصی  
سیکھرائی-۱۱، اور گنگی ناؤن، کراچی- امامت خطابت افتاء و خدمت دین می کند نیز مختلف کتابیاتی  
ادب عربی فقہ، اصول حدیث تحریثیہ می نماید فی الحال اکثر کتابیاتی علماء اہل السنۃ والجماعۃ و صوفیاء کرام  
در زبان عربی، فارسی و پشتو، اردو ترجمہ کرده از باری تعالیٰ سؤال است کہ توفیق استقامت بدھد۔  
آمین جاہ نبیہ الامین والا ولیاء الکاملین۔

نیاز مند محمد ذاکر اللہ خان نقشبندی مجددی دربار عالیہ نقشبندیہ مجددیہ  
پیر ساق شریف نو شرہ (سرحد)

۲/۹/۱۹۹۹ء لیلۃ الجمعة المبارکۃ ساعت ۱۲ شب

## اختتامیہ

از تفصیلات بالاروشن شد که مولانا احمد رضا خان بدیلوی علیہ الرحمہ از مسلک امام ربانی مجدد الف ثانی علیہ الرحمہ سر مو انحرف نہ کردہ خصوصاً در رد بدعات و احیاء سنت سینے سعی بلیغ نموده بہیں وجہ حضرت ضیاء المشائخ محمد ابراهیم فاروقی مجددی امن نور المشائخ علیہ الرحمہ، مولانا احمد رضا خان علیہ الرحمہ رہیسیار تعریف تو صیف نموده و فرموده :-

تحقیقات فقہیہ شاہ در اساس اہل السنۃ والجماعۃ یادگار نیک است و برائے مuttlebaan حوار علوم دینی سرچشمہ فیض ہدایت اگر نامیدہ شود مبالغہ نیست۔

(پیغامات یوم رضا (مرتبہ محمد مقبول احمد قادری) لاہور ۱۹۷۱ء، ص ۱۲، ۱۷)

خلیفہ مولینا احمد رضا خان بدیلوی علیہ الرحمہ، حضرت مفتی ضیاء الدین مدینی علیہ الرحمہ در مدینہ منورہ در مجالس مبارکہ خود فرموده :-

”حضرت مجدد تاج سرماںد، حضرت مجدد تاج سرماںد“

چوں ایں کلمات گھنند دست ہائے خود مر سر خود نہادند--

تماسی مسلمانان بالخصوص افغان نہ راشاید کہ از افکار و تحقیقات دینیہ مولانا احمد رضا خان بدیلوی علیہ الرحمہ ببرہ وافر حاصل کنند و در احیاء سنت مصطفویہ علی صاحبہا الصلوۃ والسلام سعی تمام نمایند۔ مولی تعالیٰ مارا بر جادہ شریعت مطہرہ استقامت دہاد۔ آمین!

احقر محمد مسعود احمد عفی عنہ

۲۰ رب جمادی ۱۴۲۰ھ

کراچی (سنده - پاکستان)

## حوالی و حوالے

- ۱- احمد رضا خاں : حسام الحر مین، مطبوعہ لاہور ۱۹۷۵ء، ص ۵۱
- ۲- احمد رضا خاں : السنیۃ الایقہ فی فتاویٰ افریقہ (۱۳۲۶ھ / ۱۹۴۷ء) مطبوعہ مریلی، ص ۱۵۲
- ۳- احمد رضا خاں : اعلام الاعلام بان ہندوستان وار الاسلام (۱۳۰۶ھ / ۱۸۸۸ء) مطبوعہ مریلی، بار اول ۲۵ ربیع (۱۳۲۵ھ / ۱۹۴۷ء)، ص ۱۵
- ۴- احمد رضا خاں : اعزالاکتہا فی رد صدقۃ مانع الزکوہ (۱۳۰۹ھ / ۱۸۹۱ء) مطبوعہ مریلی، بار اول ص ۱۱-۱۰
- ۵- احمد رضا خاں : مقال العرفاء با عزاز شرع و علماء (۱۳۲۷ھ / ۱۹۰۹ء) مطبوعہ کراچی، ص ۷
- ۶- احمد رضا خاں : السنیۃ الایقہ، مطبوعہ مریلی، ص ۱۲۳
- ۷- ایضاً، ص ۱۲۱
- ۸- احمد رضا خاں : احکام شریعت، حصہ اول، مطبوعہ آگرہ، ص ۳
- ۹- احمد رضا خاں : الزبدۃ الزکیۃ لتحریم بجود الحجیۃ، مطبوعہ مریلی، ص ۵  
یادداشت : گاییکه این رسالہ داکتر ظہور احمد اظہر (داستاد شعبہ عربی، پوهنون پنجاب لاہور)  
مطالعہ فرمود پس حیران ماند۔ ملاقا تشنان در عربستان سعودی بہراہ یک پروفیسر صاحب  
صورت گرفت، در مفتیگو ذکر محدث مریلوی میان آمد۔ پروفیسر صاحب فرمود "آن کییکه  
بمحبہ کردن قبر ھاء تشویقی داد"--- داکتر صاحب فرماید --- پروفیسر صاحب فرمود ما یعنی طور  
شنبیدہ بود یم --- مسعود
- ۱۰- ایضاً، ص ۷-۱۰
- ۱۱- ایضاً، ص ۱۰-۲۵
- ۱۲- ایضاً، ص ۲۵-۸۰

- ١٣--- احمد رضا خاں : شفاء الواله فی صور الحبیب و مزاره و تعاله (١٤١٥ھ / ١٨٩٧ء) مطبوعہ  
بریلی، بار اول
- ١٤--- احمد رضا خاں : الجنة الفاتحہ لطیب الصعن و الفاتحہ (١٤٣٠ھ / ١٨٨٩ء) مطبوعہ  
لاہور، ص ١٣
- ١٥--- ایضاً، ص ١٥
- ١٦--- ایضاً، ص ١٦
- ١٧--- محمد مصطفیٰ رضا خاں : الملفوظ، حصہ سوم (١٤٣٨ھ / ١٩١٩ء)، مطبوعہ مسلم یونیورسٹی  
پریس علی گڑھ، ص ٢٥
- ١٨--- احمد رضا خاں : مرrog النجاح خروج النساء، مطبوعہ بریلی
- ١٩--- احمد رضا خاں : جل الصوت لنبی الدعوت امام الموت، مطبوعہ بریلی
- ٢٠--- احمد رضا خاں : السنیۃ الایقہ فی فتاویٰ افریقہ، مطبوعہ بریلی، ص ٦٦
- ٢١--- احمد رضا خاں : جمل النور فی نبی النساء عن زیارت القبور، مطبوعہ بریلی
- ٢٢--- محمد مصطفیٰ رضا خاں : الملفوظ (١٤٣٨ھ / ١٩١٩ء)، حصہ دوم، مطبوعہ کراچی، ص ١١
- ٢٣--- احمد رضا خاں : مسائل سماع (مرتبہ مولوی عرفان علی رضوی) مطبوعہ لاہور، ص ٣٢
- ٢٤--- احمد رضا خاں : امین المغاریمشو ع المزار (١٤٣١ھ / ١٩١٢ء) مطبوعہ لاہور، ص ٩
- ٢٥--- ایضاً، ص ١٠-٩
- ٢٦--- احمد رضا خاں : احکام شریعت، حصہ اول، مطبوعہ گرہ، ص ٣٨
- ٢٧--- احمد رضا خاں : السنیۃ الایقہ، مطبوعہ بریلی، ص ٧٠
- ٢٨--- احمد رضا خاں : احکام شریعت حصہ اول، ص ٣٢
- ٢٩--- احمد رضا خاں . مسائل سماع، مطبوعہ لاہور، ص ٢٣
- ٣٠--- احمد رضا خاں : احکام شریعت، حصہ اول، ص ٣٣
- ٣١--- احمد رضا خاں : موبہار و احوال القدس لکشف حکم العرس (١٤٢٢ھ / ١٩٠٦ء) مطبوعہ  
لاہور، ص ٥

- ۳۲— احمد رضا خاں : ہادی الناس فی رسوم الاعراس (۱۳۱۲ھ / ۱۸۹۳ء) مطبوعہ لاہور، ص ۳۳۲— ایضاً، ص ۳
- ۳۳— محمد مصطفیٰ رضا خاں : الملفوظ (۱۳۳۸ھ / ۱۹۱۹ء) حصہ سوم، مطبوعہ علی گڑھ، ص ۵۲۔  
یادداشت : حصہ متذکرہ بالا این مقالہ، تاریخ ۲۵ صفر المظفر ۱۳۰۰ھ مطابق ۱۹۸۰ء جنوری قلم  
ہد شدہ ہو د کہ راقم اور ابھر ای تصنیف خود ”حیات مولانا رضا خاں بریلوی“ در سنه  
۱۹۸۱ء و بُشکل رسالہ تہانیز از سیالکوت شائع کردہ شدہ ہو د حصہ دیگری پیارے تاریخ ۱۳ ارمدان  
المبارک ۱۳۱۸ھ / مطابق ۱۲ جنوری ۱۹۹۸ء قلم ہد شدہ است۔— مسعود
- ۳۴— احمد رضا خاں : فتاویٰ رضویہ، مطبوعہ مبارک پور، ۷۱۹۶ء، ج ۳، ص ۳۱۸
- ۳۵— محمد مصطفیٰ رضا خاں : الملفوظ، مطبوعہ میر ثھ، ج ۲، ص ۸۷
- ۳۶— احمد رضا خاں : احکام شریعت، مطبوعہ میر ثھ، ج ۲، ص ۳۲۱
- ۳۷— یسین اختر مصباحی : امام احمد رضا اور رد بدعات و منکرات، کراچی، ص ۵۵۳
- ۳۸— احمد رضا خاں : فتاویٰ رضویہ، ۱۹۶۱ء، مبارک پور، ج ۳، ص ۳۲۲
- ۳۹— احمد رضا خاں : فتاویٰ افریقہ، کانپور، ۱۳۳۶، ص ۳۸
- ۴۰— ایضاً، ص ۹-۱۰
- ۴۱— عرفان علی : عرفان شریعت، بریلی، ص ۲۷-۲۸
- ۴۲— ایضاً، ج ۱، ص ۱۵
- ۴۳— احمد رضا خاں : احکام شریعت، ج ۱، ص ۱۳-۱۲
- ۴۴— احمد رضا خاں : فتاویٰ رضویہ، ج ۳، ص ۷۰
- ۴۵— محمد مصطفیٰ رضا خاں : الملفوظ، ج ۳، ص ۷۹
- ۴۶— احمد رضا خاں : فتاویٰ رضویہ، ج ۳، ص ۸
- ۴۷— احمد رضا خاں : احکام شریعت، ج ۱، ص ۶۶
- ۴۸— احمد رضا خاں : فتاویٰ رضویہ، مبارک پور، ج ۱، ص ۹۲-۹۱
- ۴۹— احمد رضا خاں : فتاویٰ رضویہ، مبارک پور، ج ۵، ص ۵۰-۵۱
- ۵۰— برائے تفصیل مزید مطالعہ فرمائید :-
- ۱- پروفیسر فاروق القادری، فاضل بریلوی اور امور بدعت، مطبوعہ لاہور
- ۲- علامہ محمد یسین اختر مصباحی، امام احمد رضا اور رد بدعات و منکرات، مطبوعہ کراچی

بسم الله الرحمن الرحيم

ترجم کتابہ اے ورسالہ ہائے مصنف در حالات شیخ احمد سرہندی مجدد الف ثانی  
علیہ الرحمہ و شیخ احمد رضا خاں محمد شیریلوی علیہ الرحمہ  
(عربی، فارسی، انگلیسی)

### عربی

- ۱- دور الشیخ احمد رضا الہندی البریلوی، لاہور  
(المترجم شیخ ممتاز احمد سدیدی از ہری)
- ۲- نقیہ العصر، کراچی  
(المترجم - علامہ مفتی محمد نصر اللہ خان افغانی)
- ۳- الشیخ احمد رضا خاں البریلوی، کراچی  
(المترجم - شیخ محمد عارف اللہ مصباحی)
- ۴- احمد رضا خاں بریلوی، عمان  
(شیخ ممتاز احمد سدیدی از ہری)

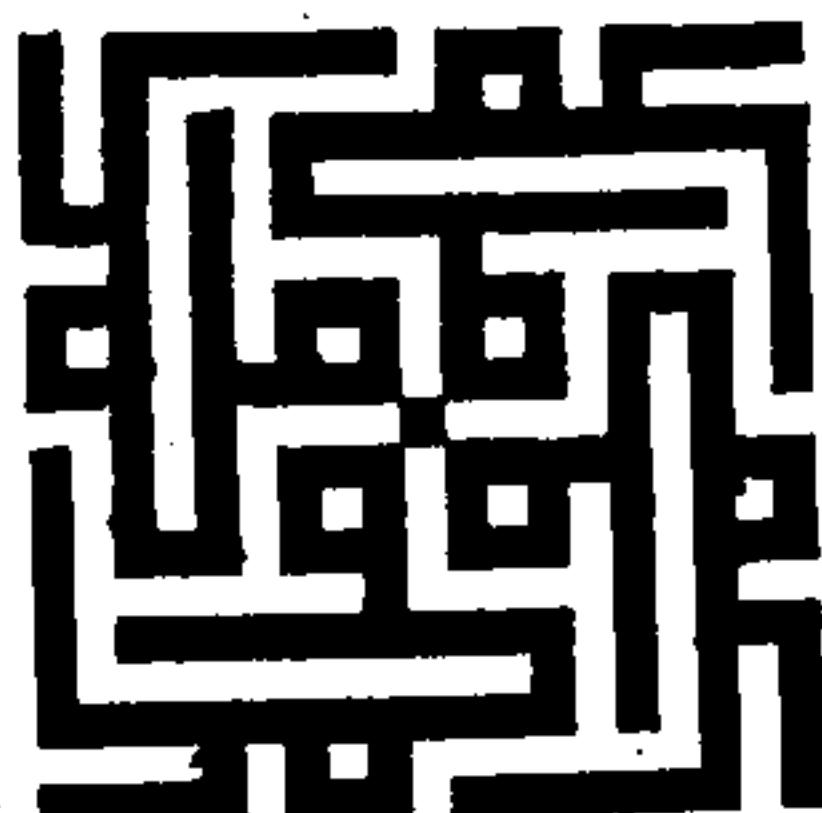
### فارسی

- ۱- ارمغان رضا، کراچی
- ۲- احمد رضا خاں بریلوی، تران  
(ترجمہ - دکتور رضا عارف اللہ نوشانی)
- ۳- خوب و ناخوب، کراچی  
(ترجمہ - ابو زہرہ محمد ذاکر اللہ افغانی)

- ۲ - حضرت مجدد الف ثانی - حیات و آثار، کراچی  
 (ترجمہ - محمد زیر فاروقی مجدوی)
- ۵ - صراط مستقیم، کراچی  
 (ترجمہ - الحاج محمد یونس باری)

انگلیسی

- 1- Imam Ahmed Raza- Reflections and Impressions, Mubarakpur (India)  
 (Prof. Ziauddin siddiqi)
- 2- The Reformer of the Muslim World, Karachi  
 (Prof. Rahmatullah)
- 3- The Influence of Hazrat Mujaddid Alf-i-hani on Dr. Muhammad Iqbal, Karachi  
 (Prof. F. M. Shiekh)
- 4- Baseless Blame, Karachi  
 (Prof. Abdul Qadir)
- 5- The Savior, Karachi  
 (Prof. Abdul Qadir)



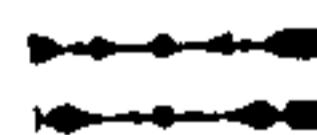
# ارمخان رضا

محمد احمد رضا خان افغانی

ای خدا ای صربان مولای من  
ای انیس خلوت شبهای من  
ای کرم و کارساز بی نیاز  
دائم الاحسان شه بندہ نواز  
  
ای بیادت ناله مرغ سحر  
ای که ذکرت مرهم زخم جگر  
ای که نامت راحت جان و دلم  
ای که فضل تو کفیل مشکم  
  
هر دو عالم بندہ اکرام تو  
صد چو جان من فدائی نام تو  
ما خطا آریم تو بخشش کنی  
نعره انى غفور میزني  
  
الله الله زین طرف جرم و خطا  
الله الله زان طرف رحم و عطا  
زهر ما خواهیم د تو شکر دهی  
خیر را داشیم شر، از گمرهی  
  
تو فرستادی بما روشن کتاب  
میکنی با ما با حکامت خطاب

از طفیل آن صراط مستقیم  
 تویی اسلام را ده، ای کشم!  
 بهر اسلامی هزاران نقنه ها  
 یک مه و صد داغ، فریاد ای خدا  
 بهر مردان رهبت ای بی نیاز  
 مردمان درخواب، ایشان درنمای  
 ای خدا بهر جناب مصطفی<sup>صلی الله علیہ وسالم</sup>  
 چار یار پاک و آل با صفا  
 بهر آب گریه تر دامنان  
 بهر شور خنده طاعت کنان  
 بهر اشک گرم دوران از نگار  
 بهر آن سرد محوران زیار  
 بهر جیب چاک، عشق نامراد  
 بهر خون پاک، مردان جهاد  
 پر کن از مقصد، تهی دامن ما  
 از تو پذرفتن، زما کر دن دعا  
 هیچ می آید زدست عاجزان  
 جز دعای نیم شب، ای مستغان

بلکه کار تست اجابت ای صمد  
 ویں دعا هم محض توفیقت بود  
 ماکه بودیم و دعائی ماقچه بود  
 فضل تو دل داد ای رب ودود  
 زره بر روی خاک افتاده بود  
 آفتابی آمد و روشن نمود  
 تکیه بر رب کرد عبد مستهان  
 ادست بس مارا ملاز و مستغان  
 کیست مولائی به از رب جلیل  
 حسبنا الله ربنا نعم الوکیل  
 چوں بدین پایه رساندم مثنوی  
 به تماش بر کلام مولوی  
 تاختامه مک گویند اهل دین  
 زانکه مشک است آن کلام مستین  
 چوں قادر از روزن دل آفتاب  
 ختم شد والله اعلم بالصواب





Marfat.com



